



۲۰۱۸/۱۲/۰۹

عبدالحمید سامع

بستر ولادت و پرورش طالب افغان و مطبوعات جهان!

(بخش دوم)

یادداشت نویسنده: این مطلب قبلاً به تاریخ ۲۰۱۳/۰۷/۱۴ تهیه و در همان وقت نشر شده است. حال جهت نشر دوباره، بدون تغییر متن به آدرس «آریانا افغانستان آنلاین» تقدیم است.

یادداشت نویسنده: این مطلب قبلاً بتاریخ ۲۰۱۳/۰۳/۱۷ تهیه و در همان وقت نشر شده است. حال جهت نشر دوباره، بدون تغییر متن به آدرس «آریانا افغانستان آنلاین» تقدیم است.

در جریان جنگ در ماه جنوری، جانب مخالفین دولت ربانی مکرراً همچو موضعگیری را تکرار می نمودند: «کنفرانس



ملی باید در باره جنگ در کابل تصمیم اتخاذ نماید.» بر

اساس گزارش از «پیشاور» می نویسد که گویا: «ربانی

رئیس جمهور افغانستان، به استعفاء حاضر خواهد شد، در

صورتی که نمایندگان ۳۰ ولایت به این تقاضا، مهر

رجحان بگویند.» این خبر را مطبوعات اسلامی بنشر

سپرده است. کابینه حکومت مجبور بوده است، تا جلسه

مشورتی آنرا در یک هوتل واقع در سرحد شهر تدویر

نماید. «درین جلسه مقام صدراعظم حکمتیار، دیگر از

رسمیت افتاده است». تا این زمان ربانی به «تیم» (حملات راکت بر پایتخت افغانستان، کابل)

قومندانان مجاهدین، اعلام می داشته است، که به تقاضاهای «حکمتیار» و «آمر ازبک ها، دوستم» مبنی بر استعفاء،

تسلیم نخواهد شد او هم چنان به تلاش وساطت پاکستان جواب رد داده است. «حکمتیار» بالمقابل بر شرط استعفاءی

فوری ربانی پافشاری می نموده است. در صبح سال نو، حین بروز جنگ، پاکستان «سرحدات آنرا با افغانستان مسدود

ساخته است.»

روز ۱۹ جنوری همین روزنامه می نویسد: «برف مانع جنگ در کابل نشده است» بر اساس گزارش واصله از کابل،

می خوانیم: «ملیحه های رقیب در شرق کابل، پایتخت افغانستان، با توپخانه ثقیله به تبادل آتش پرداخته اند. جنگ

ها ادامه دارد، با وجود آنکه کابل زیر برف مترکم یافته، پوشیده شده است. یک «سخنگوی رئیس جمهور ربانی»

اعلام داشت که در چنین فرصت آتش بس غیر واقع‌بینانه است، زیرا «جهاد مقدس اعلان شده است». قوای رئیس جمهور در انتظار قوای حمایتی از ولایات می‌باشد.»

«فرانکفورتر الگیماینه سایتونگ»، در گزارش ۲۱ جنوری ۱۹۹۴م، با نشر این تصویر می‌نویسد: «حملات راکتی بر پایتخت افغانستان، کابل» در متن می‌خوانیم: «جنگ بر سر قدرت در افغانستان، پایتخت کابل را به ویرانه و خاکستر مبدل ساخته است.»

بتاریخ ۲۵ جنوری ۱۹۹۴م، طیارات «شورشیان»، کابل را با بمب باران به لرزه آورده است، که از اصابت به سفارت ایران نیز یاد نموده، در عین حال از کشته شدن دو افغان و هم زخمی شدن دو نفر دیگر خبر داده شده است. «فرانکفورتر روندشاو» در شماره مؤرخ ۲۶ جنوری ۱۹۹۴م آن روز نامه، گزارش واصله مؤرخ ۲۵ جنوری را از منابع سازمان ملل متحد در «نیویارک» منتشر ساخته است، که بدین متن می‌خوانیم: «بعثت جنگ های شدید در افغانستان، شورای امنیت سازمان ملل متحد، برای نخستین بار، وساطت را بین گروپ های متخاصم، در پیش گرفت. بنابر ابتکار ایالات متحده آمریکا، روز دو شنبه این عالی ترین ارگان سازمان ملل متحد، برای اولین مرتبه، از زمان سقوط «حکومت نجیب الله» در سال ۱۹۹۲م ببعده، دوباره با افغانستان مصروف شده است. شورای امنیت از جوانب درگیر در منازعه خسته است، که جنگ را فوراً متوقف سازند...» مخالفین ربانی، استعفای فوری او را خواستار بوده اند.

تاریخ ۲۸ جنوری ۱۹۹۴م، بار دیگر «زوید دویچه سایتونگ»، گزارشی را از «هراره»، پایتخت «زیمباوه» در افریقا، که در آنجا، مرکز «پروگرام غذایی جهان - سازمان ملل متحد» واقع می‌باشد، تحت عنوان «افغانستان بکمک نیاز دارد» به نشر می‌سپارد. در گزارش می‌خوانیم: «اقلاً ۲۰۰۰۰۰ انسان را گرسنگی تهدید می‌کند.»

درین گزارش تقاضا بعمل می‌آید، که «جامعه دول مجبور است تا به کمک های مواد خوراکی بطور عاجل افزایش بعمل آورد.» به ادامه می‌نویسد که ادامه بلا وقفه جنگ های بعد از سال نو، تا اکنون از قول «کلاوس کلاویتر» (Klaus Klawitter)، مدیر منطوقی «پروگرام غذایی جهان» بیش از ۷۰۰۰۰ انسان، به فرار مجبور ساخته شده اند.

بار دیگر بتاریخ ۳ فیبروری «زوید دویچه سایتونگ» خبر می‌دهد: «شورشیان افغان»، ضد رئیس جمهور به «آتش بس» چهار روزه، بدون قید و شرط موافقت نمودند، از سازمان ملل متحد و از طریق نماینده آن سازمان، «سوتوریوس موسوریس» (Sotorious Mousouris) خواسته اند، تا تاریخ جلسه را تعیین نماید. قابل یاد آوری است، که در همه تقاضاهای قبلی آنها، استعفای «فوری برهان الدین ربانی» هم مطرح بوده است.

بتاریخ ۱۰ فیبروری ۱۹۹۴م، «زوید دویچه سایتونگ»، نوشت «در جنگ بر سر قدرت در کابل از شروع همین سال تا اکنون ۹۰۰ کشته و بیش از ۱۰۰۰۰ زخمی بجای مانده است. در عین حال بیش از ۱۰۰۰۰۰ انسان هم از کابل فرار داده شده اند. قریب همه سازمان های خیریه خارجی برای «کمک های بشری»، افراد خود را از کابل بیرون کشیده اند.»

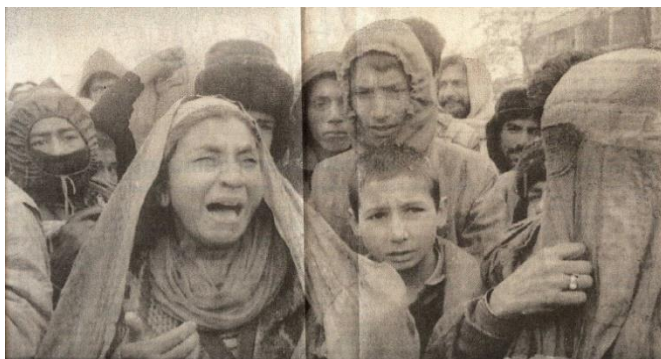
یک هفته بعد، درست بتاریخ ۱۷ فیبروری ۱۹۹۴م، «زوید دویچه سایتونگ»، از اسلام آباد پاکستان خبر می‌دهد که: «حکمتیار می‌خواهد که کابل گرسنه باشد.»

بتاریخ ۹ مارچ ۱۹۹۴م، «فرانکفورتر روند شاو» از «جنگ های شدید جدید در کابل» گزارش می‌دهد، که در اثر آن ۱۸ کشته و بیش از ۱۰۰ زخمی بجای گذاشته است. در همین شماره: در رابطه با «هتک حرمت و تجاوز پولیس و نظامیان علیه زنان در سراسر جهان» بر ساس اطلاعات «سازمان عفو بین المللی» گزارش داده، شده است.

در صف کشور های درگیر در «جنگ داخلی» از برخورد های بی رحمانه و ظالمانه علیه زنان در افغانستان نام برده، جاییکه بیشتر از همه «زنان تعلیم یافته»، مورد کینه «افراطیون مجاهد» قرار داده شده اند.

بسیله اقدامات فوق «حزب اسلامی گلبدین حکمتیار»، که میخواست است کابل را از طریق «محاصره و گرسنه نگهداشتن» به تسلیمی و ادار سازد، «زوید دوچه ساتونگ»، بتاريخ ۱۴ مارچ گزارش مفصلی را از وضعیت حیاتی مردم در کابل بنشر سپرده است. در سطور قبل از گزارش میخوانیم: «کابل: تهدید نقطه عالی از یک جنگ بی پایان مجاهدین. خشم و شدت جنگ بر نقطه قلب است. در پایتخت نیمه ویران وضعیت انسانها هرچه نگران کننده تر میگردد.

مواظبت و تغذیه روز تا روز محدود می گردد، انسان ها به گروگان بین جبهات مبدل می گردند. درین تصویر جمعیت زنان و مردان و اطفال منتظر مواصلت، قطار حامل مواد خوراکه «کمکی» بوده اند. وقتی خبر داده می شود



که «مجاهدین» از ورود قطار لاری های حامل مواد خوراکه ممانعت نموده اند، این مادر کلان بیچاره، که غمخور یتیمان پسر شهیدش بوده است، گریه سر می دهد. در همین گزارش از زمان آغاز جنگ در اول جنوری ۱۹۹۴م، تلفات انسانی را تنها در کابل به ۱۶۰۰ انسان و تعداد زخمی ها را هم ۱۲۰۰۰ یاد نموده

است. صعود قیم مواد خوراکه در یک مثال تذکر داده شده است، توجه نمائید: «برای ۱۰۰ کیلوگرام گندم، در ماه دسمبر فقط ۱۶۰۰۰ افغانی طلب می نمودند، درین اواخر برای همان مقدار در ساحه دولتی، پنج برابر، ۸۰۰۰۰ افغانی می طلبند... در ساحه تحت کنترول حکمتیار همین مقدار به مبلغ ۵۰۰۰۰ افغانی بفروش می رسد». به همین تناسب نرخ های سائر مواد ضروریه اولیه نیز بلند رفته است.

در جای دیگر از ارزیابی «صلیب احمر بین المللی، چنین گزارش می دهد: «۵۰۰۰۰ انسان در تعمیرات رسمی دولتی و مساجد و یا مکاتب پناه برده اند. بتعداد ۳۰۰۰۰۰ فراری دیگر در خانه های شخصی سرپناه یافته اند. کم از کم ۲۵۰۰۰۰ دیگر هم تا حال در مساکن خود اند، اما محتاج کمک اند.»

در پایان عکس «گلبدین حکمتیار» می خوانیم: «گرسنگی بحیث سلاح: صدراعظم حکمتیار، تهیه ضروریات کابل را کنترول می کند. در مقابل یک مسجد انسان ها منتظر نان اند.» ادامه جنگ داخلی درین مرحله، در حقیقت امر،

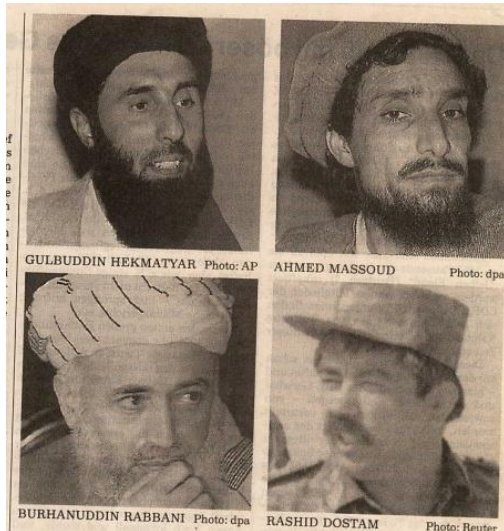
شهر ها، در قدم اول پایتخت مملکت را به ویرانی های غیر قابل تصور روبرو ساخت.

تصویر این تانک را «زوید دوچه ساتونگ» بتاريخ ۱۸ مارچ منتشر ساخته است. عنوان موضوع: «افغانستان: کتابچه خاطرات از یک جنگ بی معنی». پاسداری و گردش نظامی نا مطمئن و دشوار آخرین کمک کننده ها. برای



انسان ها در کابل حقیقتاً چانس زنده ماندن بدون صلیب احمر وجود ندارد، که متفاوت از سازمان ملل متحد است، که در برابر خود سری های «جنگسالاران» تسلیم نمی شوند.»

بتاریخ ۲۵ مارچ ۱۹۹۴م، روزنامه «زوید دویچه سایتونگ»، گزارش مفصلی را به نشر سپرده، در باره «دیبو» های اسلحه خبر می دهد که «برای سه سال کفایت می کند.» در سطر دوم می نویسد: «فاتحان – فاسد، زرنگ و



قدرت طلب.» در سطر بعدی قبل از آغاز گزارش اصلی می نویسد: «در افغانستان میراث خوران اسلامی جنگ سرد، بر اساس انتقام جوئی کشور خود را تخریب می کنند.» درین ارتباط عکس های این چهار نفر را به نشر سپرده است.

گزارشگر «شتیفن کلاین» (Stefan Klein) از زبان «پیتر شتوکر» (Peter Stocker)، که از نامبرده بعنوان مرد وظایف انسانی دشوار، یاد می کنند و از ماه جولای سال گذشته در رأس یک «هیئت» ۱۷ نفری «صلیب احمر بین المللی» در پایتخت جنگ زده کابل مصروف است، می نویسد: «این جنگ، جنگ خود آنهاست. بلی، اما اسلحه از آنها نیست. ما درینجا یک جنگ

غرب علیه شرق را رهبری نمودیم. ما اسلحه به قیمت صد ها میلیون درین کشور «بیم» نمودیم.» ازین موضوع، نویسنده گزارش، برداشت خود را استخراج نموده، ارائه می نماید، که «شتوکر» از آن یک «مسئولیت اخلاقی برای کمک های انسانی» می بیند.

گروپ گزارشگر علاوه می کند: «ما با یک کشور شناس دیگر مقابل شدیم، که از همچو برداشت و طرز دید نمایندگی می کند. قبل از همه امریکائی ها، مجاهدین را تجهیز و تسلیح نمودند، تا اشغالگران شوروی را مجبور به زانو نشستن نمایند. این یک جنایت اخلاقی بوده است. «درینجا انسانهای کوچک را شهزاده، ساختند که مالک ذخایر بزرگ اسلحه می باشند، طوریکه مواضع خود را هیچگاه آزادانه و دوطالبانه تخلیه نخواهند کرد.» به ادامه می نویسد: «بعلت اینکه زیاد اند، بر بنای اسلحه خود، درین جنگ برادری افغان در آتش گشودن سهم می شوند»



FLUCHT aus einer zerstörten Stadt: Kabul ist Kriegsgebiet. Photo: AP

(«فرار از یک شهر ویران: کابل ساحة جنگ است.»)

ازینکه این جنگ ها، از مرز های پیوند های مذهبی، پیوند های «ایتنی»، بشمول دلچسپی ها و منافع کشور های منطقوی، هم چنان بر اوضاع بغرنج موجود می افزاید، از جمله اشخاص شناخته شده، «گلبدین حکمتیار»، «رشید دوستم»، «برهان الدین ربانی» و «احمد شاه مسعود» نامیده شده اند.

نخست «از گلبدین حکمتیار آغاز می‌نمائیم. دریافت‌کننده اساسی اسلحه کمکی امریکائی در جنگ مجاهدین، از افراد برگزیده و محبوب پاکستان شمرده می‌شود.» در متن از وی بعنوان «پشتون» هم یاد شده است... در مدت ۲۳ ماه از مواضع آن در جنوب کابل، شهر را زیر فیر راکت و توپ گرفته است. بدون اکمالات بعدی، ذخایر اسلحه او در یک جنگ سه ساله کفایت خواهد کرد. لیکن باز هم بر اکمالات پاکستان و کمک‌های «آ.اس.آی» حساب کرده می‌تواند. گزارشگر به ادامه می‌نویسد: «حزب اسلامی» بعنوان یک حزب «افراطی» شهرت دارد. حکمتیار، «بنیادگرائی» را به عنوان وسیله، استفاده نموده، تا بر اساس آن مخالفین خود را مُهر «دشمنان اسلام کوبیده» بتواند و برای نابودی و قتل آن استدلال نماید. لقب «انجنیر» را بوی داده اند، در حالی که «فقط یک و نیم سیمستر» درس را تعقیب نموده است... بحیث پیش برنده جنگ، یک لشکر ۳۰۰۰۰ نفری تحت فرماندهی اوست، که بصورت نسبی با «دیسپلین» و قسماً هم مسلح می‌باشند.

گزارشگر، از جمله چهار عکس منتشر شده، «رشد دوستم» را «متحد» گلبدین حکمتیار می‌داند. در مورد «دوستم» چنین معلوماتی را منتشر ساخته است: «دوستم، در زمان نجیب الله رهبر ملیشه بوده است»، در جایی توظیف می‌شده است، که وضع «داغ» می‌بوده است. از زبان یک «کشور شناس» می‌نویسد که از «دوستم» به عنوان قوای «ضربتی» و «شکننده جبهه دشمن» کار گرفته می‌شده است. در جایی می‌خوانیم: «او صف دشمن را می‌شکست، بدون آنکه اسیر بگیرد.» این «محرک واهمه و وحشت، که خود از هیچ چیز نمی‌ترسید»، یک قوای ۳۵۰۰۰ نفری، که زمانی بنام «فرقه ۵۳» اردوی افغانستان یاد می‌شد، مانند گذشته، وفادار بحد دارد. از برکت «بازماندگی» های قوای شوروی، شامل «تانک»، «تویخانه» و ۲۰ «هلیکوپتر» فعال و ۱۵ بال «طیاره جنگی»، یک «اردوی کوچک» در «مزار شریف»، در اختیار «دوستم» قرار داده شده است. «گلبدین حکمتیار»، رئیس حزب اسلامی، «جنرال» را مکرراً «کمونیسست» «خائن به اسلام»، می‌نامیده است. اما گزارشگر می‌نویسد، که این «قوت نظامی» جنرال، علاقمندی او را بخود جلب نموده است. بار دیگر در گزارش، از تغییر «جبهه» دوستم، در اپریل ۱۹۹۲م نامبرده است که در آن زمان، متحد «ربانی - مسعود» شناخته، می‌شده است. با تغییر موقف اخیر «دوستم» هم چنان از «تضعیف» نظامی «ربانی - مسعود» یاد آور می‌گردد.

«ربانی» را «تاجیک»، «پسر»، دومین بزرگترین گروه از جمله گروه های اجتماعی مردم افغانستان شمرده شده و رئیس جمهور «نام نهاد»، دانسته است. به هر صورت در سال قبل از طرف «شورای موی سفیدان» در مقامش تعیین گردیده بود. «ربانی در سال ۱۹۴۰م تولد یافته، در قاهره و انقره، در رشته حقوق اسلام تحصیل نموده است. در فاکولته شرعیات تدریس می‌نموده است. او بحیث یک شخص زرنگ، فاسد و رشوة خوار، «ایورتونیست» و قدرت طلب شهرت یافته است... از جمله مؤسسين «حزب اسلامی»، در سال ۱۹۷۹م، بعلت اختلاف نظر با «حکمتیار»، از آن منشعب گردیده است. «جمعیت اسلامی افغانستان» (سنی) را تأسیس نموده، از نگاه مذهبی «بنیادگرا» و از نگاه سیاسی «فاشیستی» درجندی می‌گردد...»

ادامه دارد



بخش اول این مطلب را به کمک لینک آتی مطالعه فرمائید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Saameh_a_h_bestar_welaadat_taleb_afghan_1.pdf